

اخلاق را در لغت به‌معنای خوی و طبع انسان معنا کرده‌اند و در اصطلاح، اخلاق در حوزه فردی به این معناست که انسان بر قوای درونی خود مسلط بوده و به‌صورت اعتدال از آنها استفاده نماید. اخلاق، حالات و کیفیاتی است که در روح انسان و اندیشه او وجود دارد و به عمل آن شکل می‌دهد. (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۱/۴/۲۵) به‌عبارتی دیگر، اخلاق قائم به نفس انسان است. کیفیت نفسانی است، عمل نفسانی است. (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۶/۸/۲۹) ارزش‌های اخلاقی اسلام همچنین نزد امام خامنه‌ای‏ﷺ همان روح فضیلت و پرهیزکاری و وارستگی و بردباری و اجتناب از شهوات ممنوع و دوری از حرص و آز و حق‌کشی و نامردمی و مال‌اندوزی و روی آوردن به خلوص و پاکی و پارسایی و دیگر خصلت‌های اخلاقی (که) در جامعه رواج یابد و صورت ارزش‌های اصلی به حساب آید. (امام خامنه‌ای، حدیث ولایت، ج ۳، ص۳۳) اخلاق در حوزه اجتماعی خصوصاً در روابط حکومت و مردم، این است که حاکم در روابط و اعمال حاکمیتش با مردم، فضایل دینی و ارزش‌های اسلامی مانند عدالت، صداقت و... را رعایت کند و در مقابل آن، حکومتی غیراخلاقی خواهد بود که عدالت نداشته باشد و ظلم به مردم را روا دارد و حقوق مردم را نادیده بگیرد و نکته اساسی درباره اخلاق‌مداری این است که انسان‌ها تکیه به خداوند کنند و متخلّی به اخلاق او شوند. متخلّی به اخلاق خداوندبودن، مقدمه برای کاری دیگر نیست؛ بلکه کارهای دیگر مقدمه برای الهی‌شدن و متخلّی به اخلاق الهی‌شدن است. (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۴/۱۸) ما در این نوشتار از این متخلّی‌بودن درواقع با مفهوم «اخلاق‌مداری» یاد خواهیم کرد.

امام خمینی‏ﷺ با شناختی که از اسلام و نیز توجه به امر سیاست دارند، سیاست را این‌گونه تعریف می‌کنند: سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد، تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد و اینها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاح‌شان هست، صلاح ملت هست، صلاح افراد هست. (امام خمینی، صحیفه امام، ج۳، ص ۴۳۲). امام خمینی‏ﷺ در تعبیر دیگری از سیاست می‌فرمایند: «مگر سیاست چیست؟ روابط بین حاکم و ملت، روابط بین حاکم و سایر حکومت‌ها و جلوگیری از مفاسد که هست، همه اینها سیاست است.» (همان، ج۳، ص۲۲۷) البته باید توجه داشته باشیم که از نگاه امام خمینی‏ﷺ، سیاست راستین، سیاست الهی یا سیاست اسلامی است که علاوه بر برخورداری از خصایص عینی و این جهانی سیاست، بر معنویت و تأمین سعادت اخروی آن‌ها نیز تأکید دارد؛ چنانکه امام خمینی‏ﷺ می‌فرمایند: «سیاست ...همانی (است) که در قرآن، صراط مستقیم گفته می‌شود... یک صراط مستقیمی که از اینجا شروع و به آخرت ختم می‌شود. (امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۴۳۲)

• مناسبات اخلاق وسیاست

امام خامنه‌ای‏ﷺ درباره مناسبات اخلاق و سیاست می‌فرمایند: سیاست اگر از اخلاق سرچشمه بگیرد، از معنویت سیراب بشود، برای مردمی که مواجه با آن سیاست‌اند، وسیله کمال است، راه بهشت است؛ اما اگر سیاست از اخلاق جدا شد، از معنویت جدا شد، آن وقت سیاست‌ورزی می‌شود؛ یک وسیله‌ای برای کسب قدرت، به هر قیمت؛ برای کسب ثروت، برای پیش‌بردن کار خود در دنیا. این سیاست می‌شود آفت؛ برای خود سیاست‌ورز هم آفت است، برای مردمی هم که در عرصه زندگی آنها این سیاست ورزیده می‌شود هم آفت است. (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۶/۲۰) امام خامنه‌ای‏ﷺ معتقد هستند که یکی از خطراتی که سیاست را تهدید می‌کند، این است که سیاست از اخلاق فاصله بگیرد و از معنویّت و فضیلت خالی شود؛ یعنی شیطنت‌ها بر سیاست غلبه پیدا کند، هواهای نفسانی اشخاص، سیاست را قبضه کند؛ منافع طبقات زورگو و زرسالاران جوامع، سیاست را به دست گیرد و به این سمت و آن سمت بکشاند. اگر این آفت به سیاست خورد، آن‌گاه همه صحنه اجتماعی انسان‌ها دچار عیب و آفت می‌شود. (امام خامنه‌ای ۱۳۸۰/۱۲/۱۲) نکته دیگر این که امام خامنه‌ای‏ﷺ حقیقت و مقصد اصلی دین را تهذیب اخلاق جامعه و تصحیح فرهنگ آن می‌داند که بدون دست‌یابی به این تحول عمیق، حاکمیت دین و حکومت دین بی‌معنا می‌باشد (امام خامنه‌ای ۱۳۶۴/۴/۲۸) همچنین در همین راستا ایشان می‌فرمایند: «... سیاست ما باید دینی باشد، نه اینکه دینداری‌مان را در جهت سیاسی‌کاری، در جهت اهداف پست و حقیر سیاسی حرکت بدسیم.» (امام خامنه‌ای ۱۳۹۶۰/۱۰/۶)

در این مناسبات اخلاق و سیاست، سیاست دارای ویژگی‌ها و معیارهای اساسی است که برخی از این معیارها شامل موارد ذیل می‌باشند:

۱. سعادت‌محور بودن سیاست: (در اینجا سعادت دارای دو بعد آن جهانی یا اخروی و این جهانی یا دنیوی است و لذا سعادت حقیقی است) چنانکه امام خامنه‌ای فرمودند: اگر بخواهیم سعادت این کشور تأمین شود و مردم عزیز ایران با توانایی‌هایی که خدای متعال در جوهر این کشور و این ملت قرار داده، به

اخلاق‌مداری

در امر سیاست و حکومت

از نگاه امام خامنه‌ای‏ﷺ

ابوالحسن بکناش / بخش اول

در اندیشه و تفکر اسلامی، اخلاق و سیاست پیوند وثیقی وجود داشته و سیاست در راستای تعالی اخلاقی عمل می‌نماید. این رویکرد به وحدت و پیوند اخلاق و سیاست تأکید دارد و هر دو معطوف به تأمین سعادت انسانی بوده و بر آن‌ها قانون‌مندی یکسانی حاکم است. مبنای چنین رویکردی، نگرش توحیدی به تمام ابعاد جهان هستی است؛ برای همین انسان هم در زندگی فردی خویش و هم در زندگی سیاسی خویش، هنجارهای اخلاقی را رعایت می‌کند. نمونه بارز چنین رویکردی را در سیره پیامبر گرامی اسلام‏ﷺ می‌یابیم که خود مظهر و تجلی تا عینیت اخلاق و سیاست بوده و بدین جهت است که بعثت آن حضرت، برای اتمام مکارم اخلاق می‌باشد؛ از این‌روی همواره مورد توجه و اهتمام اندیشمندان دو حوزه اخلاق و سیاست بوده و می‌باشد. ما در این‌باره بر آن هستیم تا نظرات و دیدگاه‌های امام شهیدمان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای‏ﷺ را در محور مباحث‌مان قرار دهیم. در این خصوص سزاوار است ابتدا در باره دو مفهوم اخلاق و سیاست و نیز مناسبات آن دو توضیحاتی داده شود و سپس به موضوع و تبیین آن بپردازیم.

تمنّیات و آرزوهای مشروع خود برسند، باید ... سیاست ناآلوده به اغراض و امیال و شهوات، سیاست الهام‌گرفته از دین و اخلاق؛ سیاستی که در شکل‌دهی آن، منافع عمومی ملت (بر منافع شخصی و گروهی و قومی و منافع بیگانگانی که همه دنیا را برای خود می‌خواهند، ترجیح پیدا کند. (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۱۲/۱۲)

۲. نگرش کامل به انسان یا توجه به دوساحت اصلی انسان؛ یعنی جسم و روح یا مادیت و معنویت: چنانکه امام خامنه‌ای‏ﷺ در باره ضرورت وجود این دو می‌فرمایند: سیاستی که در آن، دنیا و زندگی و معیشت مردم، در کنار عزّت، اقتدار ملی، آبروی جهانی، فرهنگ متعالی، پیشرفت علمی، معنویّت، فضیلت، دین و اخلاق تأمین شود. ما امروز این را لازم داریم. (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۱۲/۱۲)

۳. فضایل اخلاقی در جامعه رشد می‌کنند و در زیر سایه تدبیرهای سیاسی است که بالنده می‌شوند؛ چنانکه امام علی‏ؑ فرمودند: «بحسن السیاسة یكون الادب الصالح» (کلینی، یعقوب، اصول کافی، کتاب العقل والجهل ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران، انتشارات اسلامیه، بی‌تا، ص ۲۸، ج ۲۴)؛ با نیک‌اندیشی و سیاست‌مداری شایسته، ادب صالح تأمین می‌گردد.

• اخلاق‌مداری و مؤلفه تقوای سیاسی

بعد از اینکه توضیحاتی درباره مناسبات اخلاق و سیاست و نیز روابط این دو مقوله ارائه شد، برای اینکه تبیین بیشتری درباره اخلاق‌مداری در عرصه سیاسی انجام گیرد، لازم است ما در این قسمت به مؤلفه تقوای سیاسی بپردازیم و در قسمت بعد، به مؤلفه‌های دیگر خواهیم پرداخت.

در خصوص مفهوم تقوا نیز باید بگوییم که آن در منابع لغت به‌معنای حفظ و صیانت آمده است. (ابن‌منظور، لسان‌العرب، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۳۷۲ و نیز راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد، المفردات فی غریب‌القرآن، دمشق، دارالقلم-الدارالشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق، ج، ص۸۸) تقوا در عرف شرع؛ یعنی نگهداری نفس از آنچه انسان را به گناه می‌کشاند، به اینکه ممنوعات و محرمات را ترک کند. (راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد، المفردات فی غریب‌القرآن، دمشق، دارالقلم-الدارالشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق، ج، ص۸۸) استاد شهید مرتضی مطهری نیز به‌همین معنی تأکید می‌کند. (مرتضی مطهری، ده‌گفتار، انتشارات صدرا، چاپ پنجم، ۱۳۶۸، ص ۱۶)؛ یعنی همان صیانت و نگهداری از هرچه که به زیان انسان است. علامه طباطبایی‏ﷺ تقوای الهی را چنین تعریف نموده است: «تقوا عبارت است از امتثال اوامر خدای تعالی و اجتناب از آنچه که از ارتکاب آن نهی فرموده و شکر در برابر نعمت‌هایش و نیز صبر در هنگام ابتلاء به بلایش می‌باشد.» (علامه سید محمدحسین طباطبایی، المیزان، سید محمدباقر موسوی همدانی، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۵۶۹) بنابراین معنای صحیح کلمه تقوا «خودنگهداری» است که همان ضبط نفس است

و متقین یعنی خودنگهداران و ترس از آثار تقوا می‌باشند. امام خمینی‏ﷺ می‌فرمایند: «تقوا برای همه لازم است و برای کسانی که متصدی امور کشور هستند، لازم‌تر است. آنهایی که متصدی امور نیستند، تقوا یک امری است که برای شخص خودشان و احیاناً هم برای یک عده‌ای که با او تماس دارند، مؤثر است و خلاف تقوا برای شخص خود آن آدم و برای اشخاصی که با او معاشر هستند، گاهی سرایت میکند و مؤثر میشود؛ اما متصدیان امور به‌حسب تصدی که دارند، اگر خدای نخواستہ تقوا نداشته باشند... این به همه کشور سرایت می‌کند، همه کشور را یک‌وقت خدای نخواستہ به باد می‌دهد و لهذا برای آنها اهمیت تقوا بسیار بیشتر است تا برای اشخاص.» (امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۷، ص۱۲۳)

توضیح اینکه تقوا در رأس همه ارزش‌های اخلاقی قرار دارد: «التقی رئیس الاخلاق». (نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، حکمت ۴۱۰) و اخلاق چیزی جز انجام فضایل و دوری از رذایل نیست؛ بنابراین فرد با تقوا کسی است که کسب فضیلت و اجتناب از رذیلت را سرلوحه امور زندگی خود قرار دهد. از آنجایی که عمده رفتار ما اجتماعی است و ظرف تحقق فضایل و رذایل، جامعه است، درنتیجه تقوای اجتماعی و سیاسی از اهمیت افزون‌تری برخوردار می‌شود؛ زیرا عمده رفتار ما را در بر می‌گیرد؛ حتی برخی از علما معتقدند: در زندگی انفرادی فضایل و رذایل اخلاقی (چندان) مصداقی نخواهند داشت؛ یعنی بستر بروز فضایل و رذایل اخلاقی، همانا جامعه انسانی است. با عزلت و گوشه‌نشینی عواملی وجود ندارند تا این‌گونه از استعدادهای انسانی ظاهر گردند. (آیت‌الله جوادی آملی، جامعه در قرآن، ج ۳، ق، اسراء، ۱۳۸۹، ص ۶۶)

البته در خصوص تقوای اجتماعی و سیاسی امام خامنه‌ای‏ﷺ می‌فرمایند: «یک تقوای فردی داریم که من و شما خودمان از گناه پرهیز کنیم، خودمان را حفظ کنیم؛ ﴿قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّارُ وَالْجِجَارَةُ﴾ (تحریم، آیه ۶) خودمان را از آتش دوزخ الهی، از آتش غضب الهی دور کنیم؛ این تقوای فردی است. (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۵/۵)؛ اما تقوای اجتماعی؛ یعنی برخورد با مردم در محیط‌های مختلف – چه محیط کسب، چه محیط معاشرت، چه محیط خانواده، چه محیط مدرسه و دانشگاه، چه محیط اداری – همراه با انصاف و خداترسی و امانت و صداقت باشد. اگر این نمونه‌ها در جامعه تحقق پیدا کند و عملی شود، اکثر مشکلات مادی و معنوی مردم برطرف خواهد شد. تقوا و پرهیزکاری، یعنی گستره وسیع عمل‌های خوب، اقدام‌های خوب، فعل‌های خوب و ترک‌های خوب.» (امام خامنه‌ای ۱۳۸۱/۱/۱۶). ایشان در جای دیگر می‌فرمایند: «تقوای سیاسی، یعنی انسان در میدان سیاست، صادقانه عمل کند. به هر حال هر چند تقوای فردی و تقوای سیاسی هر دو از جنبه‌های مختلف تقوا محسوب می‌شوند؛ اما تفاوت‌ها و تمایزاتی با هم دارند که از جمله آن



امام خامنه‌ای‏ﷺ درباره مناسبات اخلاق و سیاست می‌فرمایند: سیاست اگر از اخلاق سرچشمه بگیرد

از معنویت سیراب بشود، برای مردمی که مواجه با آن سیاست‌اند، وسیله کمال است، راه بهشت است؛

اما اگر سیاست از اخلاق جدا شد، از معنویت جدا شد، آن وقت سیاست‌ورزی می‌شود؛

یک وسیله‌ای برای کسب قدرت، به هر قیمت؛ برای کسب ثروت، برای پیش‌بردن کار خود در دنیا.

این سیاست می‌شود آفت؛ برای خود سیاست‌ورز هم آفت است

برای مردمی هم که در عرصه زندگی آنها این سیاست ورزیده می‌شود هم آفت است.

می‌شود.»

امام خامنه‌ای‏ﷺ به‌عنوان نمونه درباره رعایت تقوای امام خمینی‏ﷺ نسبت به مخالفین چنین آورده‌اند: «ممکن است ما با یکی مخالف باشیم، دشمن باشیم؛ درباره او چگونه قضاوت می‌کنید؟ اگر قضاوت شما درباره آن کسی که با او مخالفید و با او دشمنید، غیر از آن چیزی باشد که درواقع وجود دارد، این تعدّی از جاده تقواست.» ایشان در ادامه می‌آورند: «ما یک شب در خدمت امام‏ﷺ بودیم. من از ایشان پرسیدم: نظر شما نسبت به فلان کس چیست.... امام‏ﷺ یک تاملی کردند، گفتند: نمی‌شناسم. بعد هم یک جمله مذمت‌آمیزی راجع به آن شخص گفتند. این تمام شد، من فردای آن روز یا پس‌فردا – درست یادم نیست – صبح با امام کاری داشتم، رفتم خدمت ایشان. به‌مجردی که وارد اتاق شدم و نشستم، قبل از اینکه من کاری را که داشتم، مطرح کنم، ایشان گفتند که راجع به آن کسی که شما دیشب یا پریشب سؤال کردید، «همین، نمی‌شناسم»؛ یعنی آن جمله مذمت‌آمیزی را که بعد از «نمی‌شناسم» گفته بودند، پاک کردند. ببینید، این خیلی مهم است. آن جمله مذمت‌آمیز نه فحش بود، نه دشنام بود، نه تهمت بود؛ خوشبختانه من هم به‌کلی از یادم رفته که آن جمله چه بود؛ یعنی یا تصرف معنوی ایشان بود، یا کم‌حافظگی من بود؛ نمی‌دانم چه بود؛ اما این قدر یادم هست که یک جمله مذمت‌آمیزی بود. همین را ایشان آن شب گفتند، دو روز بعدش با یک روز بعدش آن را پاک کردند. گفتند: نه، همان نمی‌شناسم. ببینید، اینها اسوه است.» (امام خامنه‌ای ۱۳۸۹/۰۳/۱۴) ایشان در ادامه می‌فرمایند: تقوا در مسائل شخصی یک حرف است؛ تقوا در مسائل اجتماعی و مسائل سیاسی و عمومی خیلی مشکل‌تر است، خیلی مهم‌تر است، خیلی اثرگذارتر است. ما نسبت به دوستان‌مان، نسبت به دشمنان‌مان چه می‌گوییم؟ اینجا تقوا اثر می‌گذارد. آیه شریفه‌ای که اول عرض کردم، تکرار می‌کنم: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾ قول سدید؛ یعنی استوار و درست؛ این‌جوری حرف بزنیم، من می‌خواهم عرض بکنم به جوانان عزیزمان، جوان‌های انقلابی و مؤمن و عاشق امام که حرف می‌زنند، می‌نویسند، اقدام می‌کنند؛ کاملاً رعایت کنید. این‌جور نباشد که مخالفت با یک کسی، ما را وادار کند که نسبت به آن کس از جاده حق تعدی کنیم، تجاوز کنیم، ظلم کنیم؛ نه، ظلم نباید کرد. به هیچ‌کس نباید ظلم کرد. (امام خامنه‌ای ۱۳۸۹/۳/۱۴)